

به نام پروردگاریکتا

سنت زردشتی در روزگار اسلامی ۱

# تاریخ و سنت زردشتی

حمیدرضا دالوند



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

تهران، ۱۳۹۹



## پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

فروشگاه کتاب: خیابان کریم‌خان‌زند، بین قرنی و ایرانشهر، پلاک ۱۷۶ تلفن: ۸۸۳۱۷۱۹۲

سنت زردشتی در روزگار اسلامی ۱

### تاریخ و سنت زردشتی

مؤلف: حمیدرضا دالوند  
ویراستار: عسکر بهرامی  
مدیر انتشارات: یدالله رفیعی  
صفحه‌آرا: مهدیه دین‌پناه  
مسئول فنی: عرفان بهاردوست  
چاپ اول: ۱۳۹۹  
شمارگان: ۵۰۰ نسخه  
چاپ و صحافی: سفیر اردهال  
قیمت: ۶۷۰۰۰ تومان

حق چاپ برای پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی محفوظ است.

سرشناسه: دالوند، حمیدرضا، ۱۳۴۹ -  
عنوان و نام پدیدآور: تاریخ و سنت زردشتی/حمیدرضا دالوند؛ ویراستار عسکر بهرامی.  
مشخصات نشر: تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، ۱۳۹۹.  
مشخصات ظاهری: ۳۹۲ ص.  
فروست: سنت زردشتی در روزگار اسلامی: ۱.  
شابک: 978-622-630459-7  
وضعیت فهرست نویسی: فیبا  
یادداشت: کتابنامه: ص. ۲۹۹.  
یادداشت: نمایه.  
موضوع: زردشتی  
موضوع: Zoroastrianism  
موضوع: زردشتی -- تاریخ  
موضوع: Zoroastrianism -- History  
شناسه افزوده: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
شناسه افزوده: Institute for Humanities and Cultural Studies  
رده بندی کنگره: BL۱۵۷۲  
رده بندی دیویی: ۲۹۵  
شماره کتابشناسی ملی: ۶۲۴۰۸۵۰

## فهرست

فهرست	۳
دیباچه	۵
گفتار نخست دست‌مایه‌های پژوهش	۱۱
پراکندگی متن‌ها	۱۱
الف. متن‌های موجود در ایران	۱۳
ب. متن‌های فارسی زردشتی در هند	۱۸
گنجینه‌های موجود در کتابخانه‌های بزرگ پارسیان	۱۸
گنجینه‌های خطی کتابخانه‌های شخصی پارسیان	۲۴
گنجینه‌های زردشتی فهرست شده در کتابخانه‌های بزرگ شبه‌قاره هند	۲۵
ج. گنجینه‌های فارسی زردشتی در کتابخانه‌های اروپایی	۲۵
گفتار دوم بر بستر زمان	۲۹
فارس و جنوب‌غربی ایران، بزرگترین مراکز زردشتی پس از ورود اسلام	۳۱
شیز و آذرآبادگان	۶۴
دیلم و طبرستان	۷۲
ری	۷۵
قم و اصفهان	۸۰
ورارود	۸۷
خراسان	۹۰
سیستان	۹۵

۹۷	کرمان
۹۹	یزد
۱۰۵	عصر روایات
۱۲۹	روزگار نو
۱۳۰	فرضیه مهاجرت و چگونگی گردآمدن زردشتیان در یزد و کرمان
۱۳۷	گفتار سوم میراث سنت زردشتی
۱۳۷	سنت زردشتی
۱۴۲	تبارشناسی سنت
۱۶۲	گوش زردشتی
۱۶۵	ادبیات دینی به زبان پهلوی
۱۷۲	حلقه‌های موبدی و شیوه کار آنان در پیدایش متون
۱۸۸	رده‌بندی موضوعی میراث مکتوب سنت زردشتی
۲۰۵	سخن پایانی
۲۱۳	پیوست یک: گاه‌نمای متون سنت زردشتی
۲۷۱	پیوست دو: تبارنامه دودمان‌های موبدی زردشتیان ایران
۲۹۹	کتاب‌نامه
۳۱۷	نمایه
۳۱۷	نمایه عام
۳۳۷	نمایه اشخاص
۳۴۹	نمایه اشخاص در پیوست‌ها

## دیباچه

سنت زردشتی در روزگار اسلامی عنوانی بحث‌انگیز است و کاستی‌هایی غیرقابل اغماض در پوشش دادن به محتوا و اهداف این پژوهش دارد، ولی واجد این ظرفیت است که رفته‌رفته به عنوانی تبدیل شود که چشم‌اندازی تازه در مطالعات کیش زردشتی ایجاد کند. شاید همین ابهام‌های نهفته در آن، تناسبی با واقعیت موضوع تحولات این کیش کهن در روزگار چیرگی اسلام بر ایران داشته باشد. به دیگر سخن، هر اندازه که عنوان ابهام دارد، موضوع نیز مبهم است و در تاریکی فرو رفته. پس باید کوشید با روشن ساختن ابعاد تاریخ، فرهنگ، دین و زندگی اجتماعی زردشتیان در ایران پس از اسلام، به تعریف عنوان یادشده و ابهام‌زدایی از آن پرداخت.

با این همه، آنچه از مفهوم «سنت» اراده می‌شود، گستره‌ای وسیع از تحولات جامعه شریعت‌مدار زردشتی و حفظ و انباشت آن در قالب «میراث» مکتوب و شفاهی یا مادی و معنوی است. ارکان اصلی این گستره شامل تاریخ کیش زردشتی و جامعه مؤمنان آن، الگوی مهاجرت‌ها و جابه‌جایی‌های جمعیتی و کانون‌های زردشتی در دوره‌های مختلف، شناخت حلقه‌ها و هیربدستان‌های پدیدآورنده متون و مفاهیم دینی و متولی شریعت رایج، همچنین برشماری میراث مکتوب برجای مانده و بررسی و طبقه‌بندی و احیا و تحلیل و تفسیر آن است.

«سنت زردشتی در روزگار اسلامی» حوزه پژوهشی نگارنده در یک دهه گذشته بوده و وی بر آن است تا با اختصاص طرح‌های موظف پژوهشی خود در پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی بدان، به تدریج زمینه معرفی بیشتر این گستره از ایران‌شناسی را فراهم سازد. از این رو عبارت موصوف عنوان فروست آثار پژوهشی است که به شرط لطف یزدان در آینده تقدیم خوانندگان فرزانه و فرهیخته خواهد شد. باشد که چنین باد!

آنچه در این دو دفتر تقدیم خواننده می‌شود، تحدید مرزها و نشانه‌گذاری قلمرو موضوع سنت زردشتی است و کوشش می‌شود تا فقط موضوع‌ها مطرح شوند. موضوع‌هایی چون تاریخ، حلقه‌های موبدی، گویش، دودمان‌های موبدی، نام‌نامه و نام‌شناسی، رده‌بندی متن‌ها و متن‌شناسی و نسخه‌پژوهی آثار فارسی زردشتی، در این بررسی طرح و یاد شده‌اند، ولی هیچ‌یک از آنها دقیق شرح و تحلیل نشده‌اند و نگارنده هم نه در پی انجام چنین کاری، بلکه مورد نظر او، بیش از هر چیز دیگر، طرح و بیان اهمیت هر موضوع و ارائه نمونه‌ای از آن، بوده است.

جلد نخست، که درآمدی بر موضوع سنت زردشتی و متون آن است، به منظور ارائه بینشی تاریخی درباره‌ی متن‌های فارسی زردشتی، و اهمیت، شرایط و جایگاه آنها فراهم آمده است. مطالب این جلد در سه فصل جداگانه سامان‌دهی شده‌اند: در فصل نخست، «دست‌مایه‌های پژوهش»، شرحی از کتابخانه‌ها و گنجینه‌های خطی زردشتی در سراسر جهان آمده است و فهرست‌های مهم معرفی، و چگونگی شکل‌گیری کتابخانه‌ها، مجموعه‌ها و شرایط آنها گزارش شده‌اند، با این هدف که پژوهشگر از مطالعه آن تصویری از محل نگهداری متون به دست آورد و دریابد که برای دسترسی به آنها چگونه و با چه ابزاری باید اقدام کند.

فصل دوم، با عنوان «بر بستر زمان»، پژوهشی درباره‌ی تحولات تاریخی کانون‌های زردشتی‌نشین ایران در دوره پس از ورود اسلام است که هدف از تدوین آن ارائه چارچوبی از واقعیت‌های تاریخی و چگونگی نقل و انتقال جامعه زردشتی پدیدآورنده این متون است. گفتنی است که کسانی چون مری بویس<sup>۱</sup>، جمشید چوکسی<sup>۲</sup>، رشید شه‌مردان، جهانگیر اوشیدری و کتایون نمیرانیان تلاش‌های ارزشمندی برای شناخت جامعه زردشتی ایران روزگار اسلامی انجام داده‌اند، با این همه، مثلاً هنوز به‌درستی نمی‌دانیم که چگونه بقایای این جامعه در مناطق مرکزی ایران گرد آمد و حیاتش را پی گرفت. در این فصل کوشش شده است تا به‌کمک گزارش‌های تاریخی، وضعیت کانون‌های مختلف زردشتی‌نشین ایران در روزگار اسلامی بررسی، و تصویری از تحولات آنها به‌دست داده شود و شاید بتوان گفت که در اینجا برای نخستین بار یک چارچوب مشخص ارائه گردیده است. البته این طرح و چارچوب بی‌گمان هنوز خام و ناپرونده

## دیباجه ۷

است و چه بسا پژوهشگری در بررسی‌های ژرف‌تر باستان‌شناختی، سکه‌شناسی و مردم‌شناسی آن را زیر سؤال برد یا حتی به کلی باطل سازد. با این حال همین طرح می‌تواند برای شروع کار، به ویژه در پژوهش‌های متون فارسی زردشتی، راه‌گشا باشد. آن چه نگارنده را به چنین اقدام جسورانه‌ای واداشت، احساس نیاز به تصویری از بستر تاریخی پیدایش متون بود.

فصل سوم، «سنت زردشتی و ابعاد آن»، به تعریف مفهوم سنت، ابعاد آن، وضعیت میراث مکتوب این حوزه، تقسیم‌بندی و طبقه‌بندی این میراث، و چگونگی پیدایش متون می‌پردازد، با این هدف که پژوهشگر، جایگاه و اهمیت و ابعاد متون فارسی زردشتی را دریابد و پدیدآورندگان آنها را نیز بشناسد.

افزون بر فصل‌های سه‌گانه، دو پیوست بر جلد نخست افزوده شده‌اند: در پیوست یکم، کوشش شده است تا نام تمامی شخصیت‌های زردشتی که در لابه‌لای متون آمده‌اند، به ترتیب زمان، فهرست شوند. به کمک همین فهرست می‌توان، هنگام مطالعه و بررسی نسخه‌ها و متون نویافته، نام‌ها و شخصیت‌های علمی و دینی زردشتی را به آسانی شناسایی کرد و جایگاه تاریخی آنها را مشخص ساخت. پیوست دوم، نمودار تبارنامه‌ها، شجره‌نامه دودمان‌های موبدی زردشتی شناخته‌شده یزد، کرمان، سیستان و خراسان است. این نمودار در جزئیات خالی از خطا نیست، ولی تصویری کلی از دودمان‌های موبدی، که پدیدآورندگان متون و ناقلان سنت بوده‌اند، را ارائه می‌دهد.

در جلد نخست، به ویژه فصل‌های دوم و سوم، به سبب نبود منابع کافی، فرض، حدس و گمان بسیار دیده می‌شود. با اذعان به این کاستی و نقص بزرگ، که با رویه‌های تاریخ‌نگاری ناسازگار می‌نماید، باید گفت آنچه پیش روست، گزارش دیده‌ها، شنیده‌ها و دریافت‌های نگارنده از گشت‌وگذار در پهن‌دشت سنت زردشتی و متون آن به فارسی نو است. نگارنده کوشیده است، تا چشم کار می‌کند، افق‌های دور را ببیند و ثبت کند و نشانه بگذارد. لزوم و ضرورت کار به او جرأت داد تا در این راه دشوار گام نهد. نگارنده مدعی نیست یافته‌هایش حقیقت محض است؛ چه بسا دریافت او ناقص و دور از حقیقت باشد. اما شاید ثبت و یادکرد همین دریافت‌ها باشد که در مرزبندی موضوع مؤثر افتد، و رهروان بعدی را رهنمای و یاریگر شود. انتظار نمی‌رود که خواننده هر آنچه که در این نوشته آمده است را واقعیت مسلم بپندارد و چشم‌پسته به کارش گیرد. بلکه امید است آن

را با دید انتقادی بخواند و ضمن بهره بردن از پاره‌ای نکاتش (چه بی‌گمان خالی از فایده نیست)، کاستی‌ها و خطاهایش را یادآور شود و در اصلاح و تکمیل این طرح یاری رساند. زیرا چنان‌که اشاره شد، نویسنده، با ابزار و اطلاعات ناقص موجود، تنها کوشیده است نقشه راهی برای چنین طریق دشوار و سنگلاخی تهیه سازد.

نمونه‌ای از دشواری‌های کار، شناخت تبار دودمان‌های موبدی ایران در روزگار اسلامی است، دودمان کسانی که پدیدآورندگان متن‌های زردشتی بوده‌اند. نتیجه این تلاش که در نمودارهای پیوست جلد یکم آمده است، از نظر نگارنده چندان رضایت‌بخش نیست و هنوز، در جزئیات، کاستی‌ها و چه بسا خطاهایی دارد. ولی، با این همه، نتیجه در کلیت سودمند است و دست‌کم نشان می‌دهد که در سنت زردشتی با دودمان‌ها روبه‌رو هستیم نه با افراد. این نتیجه و نوع نگاه در تحلیل و شناخت و گزارش متن‌ها بسیار یاری‌گر است.

جلد دوم، نه تحلیل و تفسیر متون فارسی زردشتی، بلکه معرفی آنها بر مبنای اطلاعات موجود است. در این جلد، معرفی آثار خطی و چاپ سنگی فارسی زردشتی آمده است و دست‌نویس‌های موجود از آنها در کتابخانه‌های بزرگ دنیا، از روی فهرست‌ها معرفی شده‌اند. این معرفی، بر اساس رده‌بندی موضوعی ارائه شده در فصل سوم از جلد نخست، در دوازده فصل تدوین شده است؛ گو اینکه ممکن است اثری، به سبب چند وجهی بودنش، لزوماً منحصر به یک گروه نباشد.

علی‌رغم تلاش‌های بسیار، امکان دسترسی به همه دست‌نویس‌ها فراهم نیامد و اغلب مطالب، چنان‌که اشاره شد، مبتنی بر گزارش فهرست‌نویسان است، بنابراین — همچنان‌که در فهرست‌نویسی نسخه‌های خطی نیز اجتناب‌ناپذیر است — خطاهای فهرست‌نویس ناگزیر به این اثر هم راه یافته‌اند. از این رو، باز هم باید تأکید کرد که متن فراهم‌آمده در اینجا تنها ابزاری است که سرنخ‌ها و گزارش‌های پراکنده را — به همراه کاستی‌ها و خطاهایشان — در کنار هم قرار داده است. پس توصیه به خواننده، و به ویژه به کاربر این اثر، حفظ نگاه منتقدانه و کوشش برای تصحیح کاستی‌های فراوان آن است.

جلد نخست این کتاب، کار موظف نگارنده در پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی است و جلد دوم، نسخه‌ای ویراسته از رساله دکتری اوست که در همین مؤسسه از آن دفاع کرده است و در سفری یک ماهه به هندوستان با نسخ موجود در دو کتابخانه



مهرجی‌رانا در نوساری و کتابخانه دانشگاه بمبئی تطبیق داده شده است. نگارنده از مدیران و مسئولان پژوهشگاه علوم انسانی برای ایجاد چنین فرصتی و از استادان پژوهشکده زبان‌شناسی این مؤسسه — که همواره یاور و رهنما بوده‌اند — سپاسگزاری می‌کند: دکتر حمیدرضا آیت‌اللّهی و دکتر شهرام یوسفی‌فر به خاطر حمایت از این طرح و تصویب موضوع آن و دکتر حسینعلی قبادی به سبب حمایت و کمک شایان ایشان برای سفر به هند و تکمیل پژوهش پیش رو مرا مرهون لطف خویش کردند. استادان و همکارانم در گروه فرهنگ و زبان‌های باستانی ایران در پژوهشگاه، استاد فرزانه، جناب آقای دکتر محمدتقی راشد محصل، از سر لطف، کار را خواندند و با راهنمایی‌ها و داوری‌های دقیق و نکته‌سنج همچون همیشه مرا مدیون محبت خود ساختند. استادم، سرکار خانم دکتر مهشید میرفخرایی، گاه و بی‌گاه پذیرای پرسش‌های فراوان من درباره متون فقهی پهلوی، به‌ویژه *دادستان دینیک*، و نقش آنها در سنت زردشتی بودند. استاد بزرگوارم، سرکار خانم دکتر ژاله آموزگار، که خود آغازگر این راه پر فراز و نشیب بوده‌اند، ضمن داوری صورت‌های مختلف این پژوهش و یادآوری نکات دقیق، به هر بهانه و مناسبتی مشوق بنده در تکمیل کار بودند. استاد دکتر رسول خیراندیش منت گذاشتند و کار را خواندند و اطلاعات ارزشمندی درباره زردشتیان فارس در اختیار اینجانب نهادند. استادم، سرکار خانم دکتر کتایون مزداپور، که از آغاز تا انجام کار همواره در کنارم بودند و به همراه استادان، دکتر زهره زرشناس و دکتر امید ملاک بهبهانی، سمت راهنمایی و مشاوره رساله دکتری مرا برعهده داشتند، راهنما و حامی انجام پژوهش پیش رو بودند. بی‌اغراق، ساعت‌ها تلفنی و حضوری با دکتر مزداپور درباره مسائل مختلف سنت زردشتی گفتگو شد و با گشاده‌رویی و مهربانی همیشگی پاسخ‌گو بودند. دوست نازنین، دکتر سیروس نصراله‌زاده، که ایده کار بر روی سنت زردشتی و متون فارسی زردشتی زاده ذهن خلاق ایشان است، مرا به این وادی رهنمون ساختند، همراه و همیارم در این راه دشوار بودند و انجام این کار از جهات بسیار مدیون تلاش و مهر و همت والای حضرتشان است. دوست و همکار فرهیخته، سرکار خانم دکتر فرزانه گشتاسب، نیز کار را به‌دقت خواندند و راهنمایی نمودند. دوست نازنین و فرهیخته‌ام، دکتر عسگر بهرامی، ضمن داوری و راهنمایی‌های بسیار، ویراستاری کار را برعهده داشتند و ایشان بودند که با ظرافت آن را آراستند و پیراستند. دوست ارجمند، دکتر شروین فریدنژاد، نیز کار را خواندند و نکات

ارزشمندی پیرامون کتاب‌نامه مرحمت کردند. بهراد نفیسی (میستری)، دانشجوی فرزانه و کوشای پژوهشگاه، زحمت نمونه‌خوانی و نمایه‌سازی دشوار جلد اول کتاب را کشیدند. متولیان ارجمند کتابخانه‌ها و کتابداران فرهیخته بسیاری مرا راهنمایی کردند و یاری رسانیدند که اگرچه امکان آوردن نام همه نیست ولی ناگزیر به یادکرد موسسه‌های ذکرشده هستم: کتابخانه پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران، به ویژه بخش‌های نسخ خطی و ایران‌شناسی، کتابخانه مرکز دائرة المعارف بزرگ اسلامی، کتابخانه مجلس شورای اسلامی، کتابخانه ملی ملک، کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران، کتابخانه اردشیر یگانگی وابسته به انجمن زردشتیان تهران، کتابخانه نخست دستور مهرجی‌رانا در نوساری و کتابخانه دانشگاه بمبئی. دوست ارجمندم دکتر مجتبی تبریزیا و همکاران وی در انتشارات آبادبوم برای حروف‌چینی اثر از سر لطف مرا یاری کردند. همکارانم در انتشارات پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی به ویژه جناب آقای ناصر زعفرانچی مدیر سابق و دکتر یدالله رفیعی مدیر فعلی انتشارات، جناب آقای دکتر محمدحسین محمدی، معاون انتشارات، و دیگر عزیزان بخش‌های صفحه‌آرایی و چاپ و نشر، دلسوزانه در آماده‌سازی و چاپ این کتاب زحمت کشیدند. لطف همه این عزیزان را با دیده منت می‌پذیرم و تندرستی و شادی برایشان آرزو دارم. در پایان نیز باید یادآوری کنم که این کار هرگز به پایان نمی‌رسید مگر با همدلی و فداکاری همسرم، زهرا وطن‌دوست، که بار سنگین زندگی به دوش اوست و همراهی فرزندان عزیزم، سریرا و اهورا، که امید و آرامش را برایم ساخته‌اند.

حمیدرضا دالوند

دی ۱۳۹۸

## گفتار نخست

### دست‌مایه‌های پژوهش

#### پراکندگی متن‌ها

پراکندگی متن‌های فارسی زردشتی، به‌سان دیگر متن‌های این کیش کهن به اوستایی و پهلوی (فارسی میانه) و نیز به زبان‌های هندی چون سنسکریت و گجراتی، پژواک تاریخ پرفراز و نشیب آن است. زردشت در سپیده‌دمان مه‌آلود تاریخ ایران ایستاده است. دین مردی در هومستان‌های ساحل رود وه‌دایتی در ایرانویج که سخت می‌توان سیمای وی را از پس غبار هزاره‌ها برشناخت. چنان‌تار می‌نماید که حتی برخی دانش‌پژوهان ریزبین در مقام انکارش برآمده‌اند (نک: کلنز ۱۳۸۶: ۱۰۱، ۱۱۷-۱۱۸). میراث او هزاران سال بعد، گاه به‌دست اعقاب دشمنانش یعنی گوی‌ها و گرپن‌ها و اوسیج‌ها، و یا شاید مغان مادی، به گونه‌ای دست‌خوش دگرگونی و آمیختگی گردید که بازشناسی آموزه‌های راستین پیامبر را دشوار ساخت. تازش اسکندر، ویرایش‌های پسین زمان اشکانیان و بازآفرینی‌ها و تفسیرهای معطوف به زمان در روزگار ساسانیان، برآمدن اسلام و فروپاشی اقتدار تشکیلات و نهادهای موبدان، پراکنده‌شدن دین‌داران و استواران بر کیش کهن در سرزمین‌های هندوستان تا چین، تنش‌های اجتناب‌ناپذیر میان ایرانیان نومسلمان و کهن‌کیشان زردشتی در ایران و وقایع بسیار دیگر، همه و همه، تاریخی را ساختند که میراث مکتوب زردشتی در پهنه آن و با توجه به ضرورت‌های آن، پدید آمده است.

آمدن اسلام دگرگونی ژرفی در جامعه ایران پدید آورد. با فروپاشی شاهنشاهی ساسانی، اقتدار نهادهای دینی نیز فرو ریخت. ایرانیان به تدریج، در فرآیندی دو‌یست تا سیصد ساله، اسلام آوردند و پیروان کیش کهن، که تا چندی پیش فرمانروایان بی‌رقیب ایران‌شهر بودند،

با پذیرش حاکمیت حکومت اسلامی به پرداخت جزیه تن دردادند (نک: چوکسی ۱۳۸۱) و تا به امروز، متناسب با ارزش‌های دین نو، کیش کهن را تعدیل و حفظ نموده‌اند. متون فارسی زردشتی حاصل روزگار ستیز و سازش دو دین نو و کهن در ایران، و میراثی است که زردشتیان در جامعه اسلامی پدید آورده‌اند؛ از این رو صورتی پویا و سنتی زنده از دینی کهن را باز می‌تاباند که در تعامل با اسلام و درون جامعه اسلامی به حیات خود ادامه داده است.

کاهش تدریجی جمعیت جامعه زردشتی و سرانجام گردآمدن آنها در نواحی مرکزی ایران، به ویژه در یزد و کرمان، تا پایان روزگار صفوی، همچنین تماس پارسیان هندوستان با زردشتیان ایران از سده نهم یزدگردی به بعد — که در انتقال مکتوبات زردشتیان ایران به هند نقش مهمی داشت — عاملی اصلی در ترسیم پراکندگی گنجینه‌های زردشتی به فارسی نو، یا فارسی زردشتی، در سراسر جهان است.

اغلب متون در ایران و از بازتولید متون کهن پدید آمدند و سپس به هندوستان انتقال یافتند. در هند نیز واپسین نسل موبدان پارسی فارسی‌دان بارها آنها را بازنویسی و تدوین کردند. همچنین، بخشی از این متن‌ها، چه در ایران و چه در هند، به دست پژوهشگران یا سوداگران آثار فرهنگی افتادند و به کتابخانه‌های بزرگ و مراکز دانشگاهی غرب، بیشتر اروپا، انتقال یافتند. افزون بر این، قسمتی از آن، چه در ایران و چه در هند، از جامعه زردشتی به بیرون درز کرد و به کتابخانه‌ها و مراکز علمی غیرزردشتی راه پیدا کرد. بنا بر آنچه اشاره شد، متن‌های فارسی زردشتی را در پیوند با پراکندگی جغرافیایی آنها چنین می‌توان تقسیم کرد:

الف. متن‌های موجود در ایران:

- درون جامعه زردشتی:
- متن‌های موجود در کتابخانه‌های عمومی زردشتی
- متن‌های موجود در کتابخانه‌های شخصی دودمان‌های موبدی
- بیرون از جامعه زردشتی، فهرست شده در کتابخانه‌های مراکز علمی و دانشگاهی کشور
- ب. متن‌های فارسی زردشتی در شبه‌قاره هند:
- گنجینه‌های موجود در کتابخانه‌های بزرگ پارسیان
- گنجینه‌های کتابخانه‌های شخصی پارسیان

- گنجینه‌های فهرست‌شده در کتابخانه‌های عمومی و دانشگاه‌های شبه‌قاره  
ج. متن‌های فارسی زردشتی در غرب:  
- اکثراً در بریتانیا، فرانسه، آلمان، روسیه و ایالات متحده آمریکا

### الف. متن‌های موجود در ایران

در ایران که زادگاه متن‌های موضوع بررسی است، بر خلاف انتظار، نه گنجینه‌های پراهمیت و اصیلی دیده می‌شود و نه تلاش چشم‌گیر و مستمری — به‌ویژه در جامعه زردشتی — برای سامان‌دهی و تمرکز متن‌های موجود صورت گرفته است. جامعه زردشتی همواره کوشیده است چنین کاستی بزرگی را در پرتو ناملايمات روزگار و زمانه ناسازگار توجیه کند؛ ولی واقعیت امر این است که این توجیه فقط بخشی از علت این پریشانی را بیان می‌کند. در واقع هم زردشتیان و هم جامعه علمی و فرهنگی ایران به سهم خود در پیدایش چنین وضع ناگواری سهیم‌اند. نیک روشن است که موبدان زردشتی بسیاری از متن‌های فارسی را در پاسخ به نیاز همکیشان پارسی خود تدوین کرده‌اند و از سده نهم یزدگردی به هندوستان فرستاده‌اند. روند تدریجی انتقال متون از ایران به هندوستان از یک سو، و ناملايمات روزگار که به برافتادن دودمان‌های بزرگ موبدی انجامید، از دیگر سو، سبب شد تا رفته‌رفته جامعه زردشتی ایران از گنجینه‌های کهن تهی شود.

در روزگار ناصرالدین شاه قاجار، سرپرستی زردشتیان ایران توسط بنیادهای پارسیان هندوستان، که با آمدن مانکجی لیمجی هوشنگ هاتریا آغاز شد، در بهبود اوضاع اجتماعی و اقتصادی ایشان بسیار مؤثر افتاد و محدودیت‌های اجتماعی و مشکل جزیه را برایشان مرتفع ساخت. اما شخص مانکجی صاحب، که دانش‌مردی کتاب‌دوست و کتاب‌باز و کتاب‌ساز بود، نقش مهمی نیز در انتقال گنجینه‌های کهن ایران به هندوستان داشت و تهی ساختن ایران از متون کهن را سبب گشت. طرفه اینکه زردشتیان ایران علی‌رغم سالیان دشواری که پس از فروپاشی دولت ساسانی سپری کرده بودند، به گواهی انجامة‌های متن‌های موجود، گنجینه‌های بسیاری را تا میانه دوره قاجار حفظ نمودند و نقش تاریخی بی‌بدیلی در نگهداری و انتقال میراث کهن و باستانی ایران داشتند و، از این حیث، جامعه ایرانی مدیون فداکاری بزرگ دودمان‌های زردشتی است. ولی با نزدیک شدن به روزگار معاصر، زردشتیان هر چه بیشتر از نقش و جایگاه تاریخی خویش غافل می‌گردند. گفتنی است که از روزگار مشروطه به این سو، نه تنها از محدودیت‌های اقلیت بودن در ایران

کاسته می‌شود، بلکه به تدریج نگاه جامعه ایرانی نسبت به زردشتیان تغییر می‌یابد و روشن فکر ایرانی هویت خویش را در میراث زردشتی جستجو می‌کند. به موازات این تغییر شگرف، حضور زردشتیان در عرصه‌های مختلف اقتصادی، اجتماعی، سیاسی و فرهنگی ایران نیز پررنگ‌تر می‌شود؛ ولی در عین حال نسل نوی زردشتی میراث فرهنگی خود را به فراموشی می‌سپارد و برخلاف نیاکانش — که مرجع جامعه زردشتی در سراسر گیتی بودند — چشم به جامعه پارسیان هند می‌دوزد و از جامعه‌ای مرجع به جامعه‌ای مقلد فرو می‌افتد. این امر چنان حائز اهمیت است که دینشاه ایرانی را در آغازین سال‌های سده چهاردهم خورشیدی به واکنش واداشت تا زردشتیان ایران را متوجه چنین سقوط جایگاهی بسازد (نک: ایرانی، دینشاه ۱۳۰۵: ۱: ۵-۱).

زردشتیان ایران، از عصر مشروطه تا به امروز، کمابیش موقعیت خوبی در جامعه ایران داشته‌اند. فرهیختگی و باسوادی اعضای جامعه زردشتی، پشتوانه اقتصادی خانواده‌ها، ارتباط مستمر با هند و ایفای نقش در انتقال فن‌آوری‌های نوین به ایران، و همچنین رشد آگاهی جامعه ایرانی نسبت به اهمیت میراث فرهنگی زردشتیان، عواملی بودند که مشارکت پیروان آیین زردشت را در جامعه ایران روزگار پهلوی به اوج خود رسانید. اما از این فرصت استفاده بهینه‌ای برای پیدایش نهادهای علمی و فرهنگی زردشتی و گردآوری و سامان‌دهی و بازخوانی علمی میراث مکتوب زردشتیان نشد. انجمن زردشتیان تهران، به عنوان مهم‌ترین نهاد حقوقی جامعه زردشتی، و دیگر انجمن‌های محلی زردشتی، اگر نگوئیم هیچ قدمی برنداشته‌اند، باید گفت کار چشم‌گیری، آن‌گونه که در خور اهمیت میراث ارزشمندشان بود، هم انجام نداده‌اند. در روزگار پهلوی، نهضت شایان ستایشی در گردآوری، سامان‌دهی و فهرست‌نگاری دست‌نویس‌های کهن ایرانی پدید آمد و کارهای مهمی صورت گرفت که اگر نمی‌شد و نمی‌بود، ما امروز آنچه از میراث مکتوب نیاکانمان داریم در دست نداشتیم. اما دامنه این حرکت فرهنگی به جامعه زردشتی کشانیده نشد و زردشتیان ایران حتی فهرست مدوئی از داشته‌های مکتوب خود تهیه نکرده‌اند تا چه رسد به گردآوری و سامان‌دهی آنها.

به هر روی، آنچه صورت گرفت و چون کوششی درخور باید از آن یاد کرد، بنیان نهادن چند کتابخانه، چون کتابخانه و موزه انجمن زردشتیان کرمان، کتابخانه‌های هورشت<sup>۱</sup>

و بزرگ‌چمی در یزد، و کتابخانه اردشیر یگانگی و کتابخانه مارکار در تهران، است. به این فهرست، کتابخانه‌های کوچک مدارس و نهادها و موقوفات دینی زردشتی در سراسر کشور را نیز باید افزود. تا کنون مطالعه جامع و دقیقی در سرگذشت کتاب و کتابخانه در میان زردشتیان ایران صورت نگرفته است، ولی چنان‌که پیداست، مهم‌ترین اینها دو کتابخانه هورشت یزد، و کتابخانه یگانگی تهران بوده‌اند، زیرا این دو افزون بر کتاب‌های چاپی، گنجینه‌های ارزشمندی از کتاب‌های خطی و چاپ‌سنگی نایاب را نیز داشته‌اند. کتابخانه هورشت یزد، به تدریج از میان رفت. شماری از آثار خطی و چاپ‌سنگی این کتابخانه به کتابخانه یگانگی تهران انتقال یافت، و شمار دیگری از نسخ گویا از میان رفته‌اند. در حال حاضر کتابخانه یگانگی تهران، وابسته به انجمن زرتشتیان تهران، بزرگترین و مهم‌ترین گنجینه آثار زردشتی در ایران را شامل می‌شود که هم به لحاظ حجم آثار و هم داشتن نسخ خطی و کتاب‌های چاپ‌سنگی و نیز به دلیل آثار زردشتی چاپ هند، ارزش و اهمیت بسیار دارد.

جای بسی تأسف است که زردشتیان هیچ‌گاه در ثبت رسمی داشته‌های جامعه خویش نکوشیده‌اند. به عنوان نمونه، اگر آثار کتابخانه هورشت یزد، فهرست نویسی شده بودند و فهرست آنها انتشار یافته بود، امروزه هم این آثار قابل پیگیری بودند و هم فهرستی از واپسین داشته‌های زردشتی را در دست داشتیم. کتابخانه یگانگی نیز با همه اهمیت که دارد، نه شرایط مناسب نگاهداری آثار را دارد و نه فهرست علمی دقیقی از گنجینه‌های خطی و سنگی خود تهیه و چاپ کرده است، چنان‌که حتی ارجاع به آثار خطی آن مجموعه کاری دشوار است.

وقتی نهادهای عمومی چنین پریشان باشند و دسترسی بدان‌ها دشوار، دیگر از کتابخانه‌های شخصی و آثار خطی و گران‌بهایشان نباید انتظاری داشت. سنت نشان می‌دهد که دودمان‌های بزرگ و خاندان‌های موبدی همواره میراث گران‌بهای داشته‌اند و هنوز هم دارند که دست‌به‌دست در خانواده‌ها گشته تا به روزگار ما رسیده‌اند، اما با دگرگونی نگاه در خانواده‌های زردشتی، این آثار اینک در معرض آسیب جدی قرار گرفته‌اند. شاید تلاش شایان تقدیر دکتر کتایون مزداپور، که در سال‌های اخیر به معرفی و نشر آثار اوستایی خانواده‌های زردشتی با همکاری دکتر آلبرتو کانترا<sup>۱</sup> پرداخته است،

---

1. Alberto Cantera

واکنشی به این مهم باشد. با وجود این، هنوز اطلاع دقیقی از داشته‌های شخصی خاندان‌های زردشتی در دست نیست و فهرستی از آنها، به‌ویژه از متن‌های فارسی زردشتی موجود در کتابخانه‌های شخصی یا کتابخانه‌های کوچک نهادهای دینی و مدارس، منتشر نشده است. از این رو باید گفت که دسترسی به متون زردشتی، به‌ویژه متون فارسی زردشتی موجود در مراکز فرهنگی و دینی زردشتیان ایران، دشوارتر از هر جای دیگر است و فقط در پرتو روابط دوستانه، غیررسمی و خانوادگی ممکن است؛ نه با استفاده از شیوه‌های اطلاع‌رسانی و کتاب‌داری رسمی، علمی و مدرن رایج.

اگرچه دسترسی به متون موجود در جامعه زردشتی دشواری‌های خاص خود را داراست، ولی در مراکز فرهنگی و کتابخانه‌های بزرگ و عمومی ایران، خوشبختانه، وضعیت به‌سامان‌تری حاکم است: **کتابخانه ملی ایران**، به عنوان کتابخانه اصلی کشور و بنا بر وظیفه بزرگی که در قبال فرهنگ ایرانی و گردآوری میراث مکتوب آن دارد، متون زردشتی را، از روزگار قاجار به این سو، گردآوری کرده است. برخی از این آثار بنا بر ضرورت‌های فرهنگی و سیاسی، از طرف رهبران جامعه زردشتی به دربار قاجار راه یافته‌اند و در شمار میراث کتابخانه سلطنتی به کتابخانه ملی انتقال یافته و هسته اولیه این کتابخانه را تشکیل داده‌اند (نک: دستنویس ۷۲۴-ف). پاره‌ای دیگر آثاری هستند که از جامعه زردشتی به بیرون راه یافته و دست‌به‌دست گشته تا در کتابخانه ملی جای گرفته‌اند (نک: دستنویس ۲۵۱۷۰-۵). و سرانجام آثاری که از هند و میراث دودمان‌های موبدی پارسیان به دست سوداگران افتاده و راهی ایران شده‌اند و کتابخانه‌های بزرگ، و به‌ویژه کتابخانه ملی، آنها را خریده‌اند. از این مورد اخیر به عنوان نمونه از مجموعه معروف به «مجموعه نوازی» باید یاد کرد که حسین نوازی، کتابدار کتابخانه دربار پهلوی، آن را خریداری کرد. این مجموعه در نهایت به کتابخانه ملی انتقال یافت (نک: دالوند ۱۳۹۲ الف: ۳۳-۴۸). در کنار آثار خطی، چاپی، چاپ‌سنگی و مطبوعات زردشتی، از اسناد اداری، سیاسی، و اقتصادی این جامعه نیز باید یاد کرد که طی یک‌صد سال اخیر پدید آمده‌اند و اینک در بخش اسناد کتابخانه ملی، یا دیگر نهادها و سازمان‌های اسنادی کشور نگهداری می‌شوند.

**کتابخانه مجلس شورای اسلامی** (کتابخانه مجلس شورای ملی سابق) — که ارباب کیخسرو شاهرخ، یکی از رهبران و نمایندگان برجسته جامعه زردشتی، از جمله بنیان‌گذاران آن است — دربردارنده آثار زردشتی ارزشمندی است و به مرور ایام در خرید، نگهداری و حفظ نسخه‌های زردشتی از دست واسطه‌ها، به‌ویژه نسخی که از هند به ایران



می‌آیند، کوشیده است. آثار زردشتی موجود در کتابخانه مجلس را شاید بتوان به دو دسته تقسیم کرد: آثاری که در آغاز تأسیس توسط بزرگانی چون ارباب کیخسرو شاهرخ به کتابخانه راه یافته‌اند؛ و دیگر، آثار هندی و ایرانی که وارد بازار فروش نسخه‌های خطی در ایران شده‌اند و کتابخانه مجلس آنها را خریده است. امروز اغلب این گنجینه‌ها اسکن شده‌اند و به آسانی در دسترس قرار دارند.

**کتابخانه دانشگاه تهران**، مهم‌ترین مرکز دانشگاهی ایران است که در گردآوری متون زردشتی کوشیده و از آغاز تأسیس تاکنون پیوسته متون زردشتی را خریداری و تهیه کرده است. این مرکز امروزه گنجینه قابل ملاحظه‌ای شامل نسخه‌های خطی، کتاب‌های چاپ‌سنگی، چاپی، و عکسی و نیز میکروفیلم به اوستایی و پهلوی و فارسی زردشتی دارد. مهم‌ترین مزیت گنجینه دانشگاه تهران داشتن میکروفیلم‌هایی از متون فارسی زردشتی است که اصل آنها در کتابخانه‌های بزرگ اروپایی نگاه‌داری می‌شوند.

از دیگر کتابخانه‌های بزرگ ایران که دربردارنده متون فارسی زردشتی هستند، باید **کتابخانه ملی** ملک در تهران را یاد کرد که برخی آثار زردشتی را خریداری کرده است. **کتابخانه مسجد و مدرسه سپهسالار** (مطهری امروز) در تهران، **کتابخانه آستان قدس رضوی** در مشهد، و **کتابخانه آیت‌الله مرعشی نجفی** در قم، نیز کمابیش به گردآوری آثار زردشتی پرداخته‌اند و این کار را به‌طور پیوسته ادامه می‌دهند. همچنین، در مرکز **دائرةالمعارف بزرگ اسلامی** و کتابخانه بزرگ آن، گنجینه گران‌بهایی از متون زردشتی به زبان‌های مختلف تهیه شده است که بخشی از این مجموعه، شامل آثار خطی و کتاب‌های نایاب چاپ‌سنگی است.

هرچند هنوز فهرست کاملی از متون موجود در جامعه زردشتی منتشر نشده است، خوشبختانه بیشتر کتابخانه‌های بزرگ ایران گنجینه‌های خود را فهرست کرده‌اند. در کنار فهرست کتابخانه‌های بزرگ، از دو کار مهم دیگر باید یاد کرد: یکی تلاش زنده‌باد احمد منزوی که فهرستی درهم‌کرد از فهرست‌های موجود را با عنوان **فهرستواره کتابهای فارسی فراهم آورد** و دیگری **فهرست دست‌نوشته‌های ایران (دنا)** به کوشش مصطفی درایتی (۱۳۸۹). این دو اثر پژوهشگران را تا حدودی از مراجعه به فهرست‌های متعدد بی‌نیاز کرده‌اند. همچنین با رشد روند دیجیتالی کردن متون و ایجاد پایگاه‌های اطلاع‌رسانی گوناگون، از جمله بانک اطلاعات کتب و نسخه‌های خطی آقابزرگ (به نشانی <http://www.aghabozorg.ir>) کار جستجوی متون خطی در ایران آسان‌تر شده است. با

این همه، جای درهم‌کردی از فهرست‌های موجود با موضوع زردشتی، که دست‌کم فهرستی از گنجینه‌های باقی‌مانده را نشان بدهد، همچنان خالی است.

### ب. متن‌های فارسی زردشتی در هند

#### گنجینه‌های موجود در کتابخانه‌های بزرگ پارسیان

##### کتابخانه مهرجی‌رانا

دستور مهرجی‌رانا<sup>۱</sup>، یا دستور مهرجی‌رانای نخست، در ۱۵۳۴م/۹۰۵ی در دودمانی موبدی اهل شهر نوساری<sup>۲</sup> در سرزمین گجرات هندوستان زاده شد. نام اصلی او ماهیار پسر رانا‌جسانگ<sup>۳</sup> است. او شهرت و ترقی خویش را مدیون دربار اکبرشاه، پادشاه سلسله گورکانی هندوستان، است. اکبرشاه، که به ادیان بزرگ جهان توجه نشان می‌داد، مهرجی‌رانا، پرستار آتش و آموزگار کیش زردشتی، را به دربار خویش فراخواند. مهرجی‌رانا سال‌های ۱۵۷۸-۱۵۷۹م را در آنجا سپری کرد و اکبرشاه او را مورد تفقد فراوان قرار داد و املاکی در حومه نوساری به او بخشید و بدین ترتیب مهرجی‌رانا در میان زردشتیان نیز آوازه بسیار یافت (مودی ۱۹۰۳الف: ۱-۱۷۶). یکی از نوادگان او به نام دستور ایرج‌جی سهراب‌جی مهرجی‌رانا در منظومه *ماهیارنامه* شرح حضور وی در دربار اکبرشاه را سروده است (شهمردان ۱۳۶۳: ۹۷). شهرت، ثروت، رسالت و تعهد دینی خاندان مهرجی‌رانا سبب شد تا اعضای این خانواده در گردآوری و حفظ میراث پارسیان بکوشند و رهبری آنان را در دست داشته باشند، چنان‌که دستور ایرج‌جی سهراب‌جی در سده سیزدهم یزدگردی متون فراوانی از میراث پارسیان را گردآوری و کتابت کرد. در سال ۲۰۱۰م نیز دستور کیخسرو نوز، دستور مهرجی‌رانای هفدهم، از سوی جامعه دینی نوساری به این مقام شامخ دینی در جامعه‌ی پارسی دست یافت (نک: پایگاه اطلاع‌رسانی کتابخانه مهرجی‌رانا).

کتابخانه مهرجی‌رانا<sup>۴</sup> در ۱۸۷۲م از ماترک خانواده مهرجی‌رانا و دیگر مجموعه‌های اهدایی، در شهر نوساری بنیان نهاده شد. این مرکز در سال‌های ۱۹۶۷، ۱۹۹۹ و ۲۰۰۹م از محل موقوفات خیرین پارسی مرمت شد و توسعه یافت و امروزه به‌عنوان یکی از

1. Meherji Rana

2. Navsari

3. Rana Jesang

4. Meherji Rana Library

کتابخانه‌های مجهز و دارای امکانات مناسب، پذیرای دانش‌پژوهان حوزه مطالعات زردشتی است. وب‌گاه این کتابخانه (به نشانی <http://www.meherjiranalibrary.com/>) در فضای مجازی در دسترس است.

گنجینه دست‌نوشته‌های کتابخانه مهرجی‌رانا برای شناخت متون و روایات فارسی زردشتی اهمیت فراوان دارد. این گنجینه، از مجموعه‌های اهدایی دستوران دودمان مهرجی‌رانا از جمله مجموعه‌های زیر پدید آمده است: ۱. مجموعه دستور جمشید سهراب جی و فرام‌جی<sup>۱</sup> سهراب‌جی مهرجی‌رانا. ۲. مجموعه رستم‌جی کیقبادجی مهرجی‌رانا. ۳. مجموعه ایدل‌جی<sup>۲</sup> نوروزجی مهرجی‌رانا. ۴. مجموعه ایرج‌جی سهراب‌جی مهرجی‌رانا (۱۸۲۶-۱۹۰۰م)، کتابدار کتابخانه ملافیروز در بمبئی که حدود ۷۵ نسخه را برای کتابخانه مهرجی‌رانا به خط خود کتابت کرده است. ۵. مجموعه اهدایی جمشیدجی مانکجی اونوالا. ۶. مجموعه مهرجی‌نوروزجی کوتوال<sup>۳</sup> (مجموعه‌های ۵ و ۶ پس از فهرست سال ۱۹۲۳م دابار اهدا شده‌اند). ۷. آثار اهدایی اخیر از سوی خانواده‌های ساکن نوساری، از جمله برخی دست‌نویس‌های اهدایی دستور دکنر کوتوال<sup>۴</sup>.

شمار دست‌نویس‌های کتابخانه در مجموع بالغ بر ۶۱۹ نسخه می‌شود (نک: دابار ۱۹۲۳ الف: پیشگفتار؛ قس: پایگاه اطلاع‌رسانی کتابخانه).

نخستین فهرست کتابخانه در سال ۱۹۲۲م به زبان گجراتی انتشار یافت. یک سال بعد، دابار (۱۹۲۳ الف) فهرست ۴۶۹ دست‌نویس آن کتابخانه را به انگلیسی در بمبئی انتشار داد و در سال ۲۰۰۸م فهرست ۱۵۰ نسخه دیگر — اهدا شده پس از سال ۱۹۲۳م — منتشر شد (کوتوال و همکاران ۲۰۰۸). این فهرست‌ها به همراه فهرست آثار چاپی کتابخانه در وب‌گاه آن در دسترس است.

### کتابخانه ملافیروز

پشوتن، پسر ملاکاوس رستم جلال، در ده‌سالگی به همراه پدرش از هندوستان به ایران آمد. ملاکاوس منجمی بود که، از سوی پارسیان طرفدار فرقه تقویم قدیمی (نک: ج ۲) در باروچ<sup>۵</sup>، راهی ایران شد تا درباره حقیقت تقویم و درستی یا نادرستی اعمال کبیسه در تقویم زردشتی تحقیق کند. پشوتن در ایران از سوی دستوران ایرانی به فیروز نام‌بردار

1. Framji

2. Edalji

3. Navroji Kutar

4. Kotwal

5. Bharuch

گردید و در مکتب‌خانه‌های ایران و زیر دست موبدان و دستوران ایرانی تحصیل کرد و پرورش یافت. به روزگار حکومت زندیه، پدر و پسر دوازده سال را در جاهای مختلف ایران — از دربار کریمخان زند در شیراز و محافل علمای مسلمان، به‌ویژه منجمان، گرفته تا مردم کوچه و بازار — سپری کردند. آنان در شهرهای مختلف به گردآوری آثار و نوشته‌های ایرانی، به‌ویژه متون نجومی، پرداختند. ملافیروز به شعر نیز علاقه داشت و اشعاری هم می‌سرود. او، در اثری به نام *سفرنامه* یا *خردنامه*، شرح سفر خویش و پدرش در ایران را به نظم کشیده است. اثر دیگر منظومه‌ای *چهل هزار بیتی* با عنوان *جارج‌نامه* است که او برای حاکم انگلیسی هند، جاناتان دانکن<sup>۱</sup> و در شرح پادشاهی جرج سوم، امپراتور بریتانیا، سروده و، به سال ۱۸۳۷م، برادرزاده‌اش ملارستم کیقباد آن را منتشر کرده است (نک: رهاتسک<sup>۲</sup> ۱۸۷۳: پیشگفتار؛ بورجیح<sup>۳</sup> ۱۹۰۱: ۶۹ ش ۱). ملافیروز همچنین، با بردن نسخه‌ای از *دساتیر* به هند و شرح و انتشار آن، نقش مهمی در احیای میراث فرقه آذرکیوان داشت (نک: دالوند ۱۳۹۲: ۲۳۷).

از آنجا که ملافیروز پیرو فرقه تقویم قدیمی بود — و سرانجام هم سرکردگی این فرقه را در میان پارسیان به دست آورد — آنچه در مدت زندگی در ایران از آثار زردشتی گرد آورد یا خود تألیف نمود، متونی اغلب از ایران یا به زبان فارسی بودند. بر این اساس آنچه او — که از واپسین نمایندگان پارسیان ایران‌دوست و متکی به سنت ایرانی در میان زردشتیان هند است — گرد آورد از گنجینه‌های بسیار مهم در شناخت سنت زردشتی، به شمار می‌آید. ملافیروز در ۱۸۳۰م درگذشت و پانچایات (انجمن) پارسیان بمبئی مدرسه معروف ملافیروز را در ۱۸۵۴م تأسیس کرد که کتاب‌ها و ماترک فکری خانواده وی نیز بدان واگذار شد. چندی بعد، در ۱۸۵۷م کتابخانه از مدرسه جدا گردید و تحت مدیریت کمیته‌ای مستقل قرار گرفت. تا سال ۱۹۱۶م که مؤسسه شرق‌شناسی کاما پدید آمد و کتابخانه ملافیروز<sup>۴</sup> نیز بدان پیوست، این کتابخانه یگانه کتابخانه عمومی زردشتی در بمبئی بود و کاتب و دانش‌مرد فرهیخته، دستور ایرج‌جی سهراب‌جی مهرجی‌رانا، آن را اداره می‌نمود (نک: رهاتسک ۱۸۷۳: پیشگفتار).

نخستین بار پژوهشگری اتریشی، به نام ادوارد رهاتسک (درگذشت: ۱۸۹۱م)، فهرستی از گنجینه‌های کتابخانه ملافیروز را تهیه کرد. این فهرست در سال ۱۸۷۳م منتشر شد

1. Jonathan Duncan.

2. Rehatsek

3. Beveridge

4. Mulla Firuz Library